

سرشور و تاریخ نقش بسته بر تابلوهایش



معیار مصوب در خیابان سرشور	معیار دارای نام شهید	معیار دارای نام تاریخی/ هویتی تثبیت شده	معیار دارای نام هویتی جدید	معیار دارای شماره	تعداد کل معبر
تعداد	۶	۱۰	۱۲	۱۱	۳۹

سیده‌نعمه زینبی کار نام‌گذاری و نصب تابلوهای جدید در خیابان سرشور تقریباً به سرانجام رسیده است و اکنون هر رهگذری که وارد این راسته شود، می‌تواند با کمک این تابلوها که بر سردر کوچه‌های اصلی و فرعی قرار گرفته است، مسیرش را پیدا کند. شاید تصور کنید این اتفاق خیلی معمولی است و نیاز به نوشتن یک گزارش پروپیمان ندارد اما اگر بگوییم اتفاقی که برای سرشور افتاده، منحصر به فرد بوده است، ماجرا کمی فرق می‌کند؛ اتفاقی که می‌تواند برای دیگر کوچه‌های قدیمی این شهر نیز تکرار شود. تابلوهایی که بر سردر کوچه‌ها و فرعی‌های سرشور نشسته‌اند، تقریباً همان نام‌هایی هستند که در قدیم بر زبان اهالی قدیمی محله جاری بود اما تعدادی از آن‌ها تغییر کرده یا در گذر زمان از خاطره‌ها رفته بودند. اکنون بسیاری از اهالی محل خوشحال هستند که همان نام‌هایی بر روی تابلوها در بافت درختی و بیچیده راسته سرشور نشسته است که از زبان پدران و پدربزرگان خود شنیده‌اند و آن‌ها را می‌شناسند. جالب است بدانید که طبق آمار اداره نام‌گذاری، در این طرح از تعداد ۴۸۰ تابلویی که در گذشته باید در محل وجود می‌داشت، خبری از ۱۲۰ تابلو نبود ولی اکنون همه کوچه‌ها و فرعی‌ها تابلو دارد. این فرایند حدود دو سال و چهار ماه طول کشید. در این طرح، چهار نام شهید و یازده نام تاریخی در میان ۳۸ کوچه راسته سرشور حفظ می‌شود. به بهانه اتمام تابلوگذاری این محدوده، به‌سرّاع کارشناس اداره نام‌گذاری شهرداری مشهد و یکی از طراحان این پروژه رفته‌ایم تا برآیمان از این اتفاق خوب بگویید.

● روال نام نهادن یک خیابان

روال نام‌گذاری یک خیابان یا معبر به این شکل است که درخواستی را یک نهاد یا فرد، برای شهرداری منطقه یا معاونت فرهنگی آن ارسال می‌کند. سپس نامه‌ای به اداره نام‌گذاری که در چهارسوق کوهسنگی مستقر است، فرستاده می‌شود تا تحقیقات لازم برای آن نام‌گذاری انجام شود. این پرونده پس از بازدید محلی و تحقیقات لازم به کمیته نام‌گذاری برده می‌شود. معمولاً در این جلسه دو نفر از اعضای شورای شهر، یک نماینده از اداره ارشاد اسلامی، یک نماینده از بنیاد شهید، یک جامعه‌شناس، یک استاد ادبیات و یک تاریخ‌شناس و چند تن دیگر حضور دارند و در صورت تصویب توسط آن‌ها، بقیه مراحل به اداره نام‌گذاری سپرده می‌شود. رئیس اداره نام‌گذاری به‌عنوان دبیر کمیته در این جلسه حضور دارد. بنا به ضرورت جلسه، اگر نیاز باشد فرد دیگری دعوت شود، رئیس کمیته در این مورد تصمیم می‌گیرد. و جدید عباسیان، کارشناس اداره نام‌گذاری مشهد، نیز به همین شیوه و به‌خاطر اجرای طرح تحقیقاتی برای سرشور موفق می‌شود برای سامان دادن به اسامی این راسته در جلسات کمیته حضور یابد و از نام‌های پیشنهادی دفاع کند.

ماجرا نام‌گذاری راسته سرشور اما کمی متفاوت با دیگر معابر مشهد است؛ زیرا هیچ درخواستی از سوی هیچ فرد یا نهادی برای نام‌گذاری این معبر به شهرداری فرستاده نشده است تا در دستورکار قرار بگیرد. مردم و شورای اجتماعی محله، نامه‌ها و درخواست‌هایی را پیش از این نوشته و تابلوگذاری برای معابر بی‌نام این محله را درخواست کرده بودند.

از سوی دیگر پرونده تحقیقاتی برای دیگر خیابان‌ها و معابر، مختصر و انجام آن از نظر مدت زمانی، کوتاه است. در واقع روال کار این است که کارشناسان اداره نام‌گذاری به آن معبر می‌روند، تعداد فرعی‌های آن را بررسی و همراه موقعیت محلی، آن را به کمیته گزارش می‌کنند. اما برای خیابان سرشور این ماجرا متفاوت رقم می‌خورد و به تشکیل یک پرونده پژوهشی - همراه با بررسی‌های قدیمی و جدید برای آن - تبدیل می‌شود. هیچ‌کدام از کارشناسان فکر نمی‌کردند زمانی که کار برای سرشور شروع می‌کنند، به یک تحقیق جامع کتابخانه‌ای اسنادی همراه با مصاحبه‌های شفاهی برسند اما این اتفاق می‌افتد. دفتر تسهیلگری محله سرشور نیز در بخش پژوهش به این کارشناس کمک می‌کند تا نام‌های قدیمی را احیا کند.

● مشکلات نداشتن تابلو

از نگاه این کارشناس، نام‌گذاری معابر به مدیریت آن فضا مربوط است و یک نام مناسب می‌تواند بسیاری از مسائل را در آنجا حل کند و از سوی دیگر توجه به بعد هویتی آن نیز یک مسئله اجتماعی است. وقتی عباسیان و همکارانش به میان مردم محله می‌روند، متوجه می‌شوند بسیاری از آن‌ها، حتی جوان‌ترها، کوچه‌های محله را با همان نام‌های قدیمی‌اش می‌شناسند و صدای زنند. البته این اتفاق از زاویه دید مسافران خیلی خوشایند نبوده و آن‌ها را دچار سردرگمی می‌کرده است؛ چون نبود تابلو بر سردر کوچه‌ها، معضلی جدی برای این معبر بوده است. وقتی مسافری به دنبال مسافرخانه‌ای در آن حوالی می‌گشته است، محلی‌ها خیلی آسان با همان نام‌های هویتی و شفاهی که همه‌شان می‌دانند جای سرشور است، آدرس را به مسافری می‌دهند و او را زائر چگونه می‌توانسته است آن نام و آدرس را بدون هیچ تابلویی پیدا کند؟ عباسیان تجربه‌اش در برخورد با یکی از هتل‌داران منطقه را نیز تعریف می‌کند. یکی از هتل‌داران به او می‌گوید این تابلوگذاری خیلی به او و زائران کمک کرده است. این هتل‌دار و دیگر ساکنان منطقه حالا می‌توانند به راحتی آدرس هتل یا منزلشان را به میهمانانشان بدهند و

مطمئن باشند که آن‌ها دیگر میان بافت بیچ دربیچ سرشور گم نمی‌شوند. عباسیان مثالی هم می‌زند؛ «مثلاً مردم به مسافر می‌گفتند برو کوچه ذوالفقار، کوچه اول، فرعی فلان و بن بست فلان تا به مسافرخانه برسی، یافتن این آدرس بدون تابلو خیلی سخت است. اکنون خیلی راحت می‌توانند چنین آدرس بدهند؛ کوچه ذوالفقار ۲، فرعی ۲۲، ماجرای کوچه‌های دیگر مانند کوچه علما، فریدون، مشیر، آرام و فروغ هم همین بوده است. همان لفظی را که میان مردم مرسوم بود، روی تابلو آوردیم و این به آدرس دهی آن‌ها خیلی کمک می‌کند.»

● ماجرا از یک جلسه شروع می‌شود

مردم و دفتر تسهیلگری نامه‌هایی به معاونت فرهنگی منطقه ۸ می‌نویسند تا خیابان اصلی سرشور و چپو تابلوگذاری شود و تابلوهای فرسوده این راسته را اصلاح کنند. اما ماجرا به همین درخواست ختم نمی‌شود. عباسیان ادامه ماجرا را چنین روایت می‌کند: «۱۱ سال ۹۸ به کمیته نام‌گذاری آمدم. خانم فریدون (رئیس اداره نام‌گذاری در شهرداری مشهد) آن زمان گفت که این محله مشکلاتی دارد و جلسه‌ای در داخل سرشور برای ما گذاشتند. ۱۸ دی ماه سال ۱۳۹۸ به این محله رفتم، یکی دیگر از کارشناسان در دفتر تسهیلگری آن زمان، نام‌های تاریخی آن کوچه‌ها را می‌گفت و من یادداشت می‌کردم. آنجا متوجه شدم که بخشی از کوچه سرشور تابلو ندارند». پس از این جلسه عباسیان مطالعه می‌کند و یک طرح اولیه برای کوچه می‌نویسد. او بارها به‌سرّاع کوچه‌ها می‌رود و آن‌ها را با نقشه سال ۱۳۳۳ خورشیدی و سال ۱۳۲۵ خورشیدی مقایسه می‌کند. او از کوچه‌هایی که تابلو ندارد و همچنین از بناهای کهن و تاریخی محله عکس می‌گیرد. دفتر تسهیلگری نیز در یافتن نقشه‌های محل به او کمک می‌کند تا آن‌ها را بهبود بخشد و وضعیت تابلوها را نیز روی نقشه اجرایی کند تا نخستین نقشه تابلو در شهرداری مشهد کشیده شود. او ادامه می‌دهد: «ما برای اولین بار در قالب محله این تابلوها را دیدیم. نقاطی را که تابلو نداشت، با قرمز متمایز کردیم. وقتی نقشه کامل شد، تعداد این نقاط افزایش پیدا کرد. انکار محله دچار یک سردرگمی و گم‌گشتگی بود. جز محور اصلی سرشور و چپو، بقیه محورها مانند آیت‌الله... خامنه‌ای اصلاً تابلو نداشتند.»

● مقاومت در برابر نام‌های هویتی محله

پیگیری اداره نام‌گذاری از شهرداری منطقه به جایی نمی‌رسد و آن‌ها تصمیم می‌گیرند خودشان دست به‌کار شوند. بنابراین شروع به انجام کارهای مقدماتی برای تابلوگذاری محور سرشور می‌کنند. در بررسی‌ها مشخص می‌شود هیچ‌کدام از نام‌های کوچه جز نام‌های شهدا مصوبه شورا را ندارد و این یعنی نمی‌توانند به راحتی تابلوگذاری کنند. عباسیان توضیح می‌دهد: «من نقشه دیگری تهیه کردم که سابقه نام‌ها را مشخص می‌کرد، اینکه هر کدام از کوچه‌ها یا خیابان‌ها در سال‌های مختلف، چه نام‌هایی داشته‌اند را روی یک نقشه مشخص کردم و این نقشه را به همراه نقشه پیشنهاد نام به کمیته نام‌گذاری بردم. بعضی اعضای شورا راضی نبودند که نام‌های تاریخی بازگردد و به بعضی از آن‌ها واکنش نشان دادند. آن‌ها مطالعات ما را رد کردند و گفتند که بیشتر مطالعه کنید!»

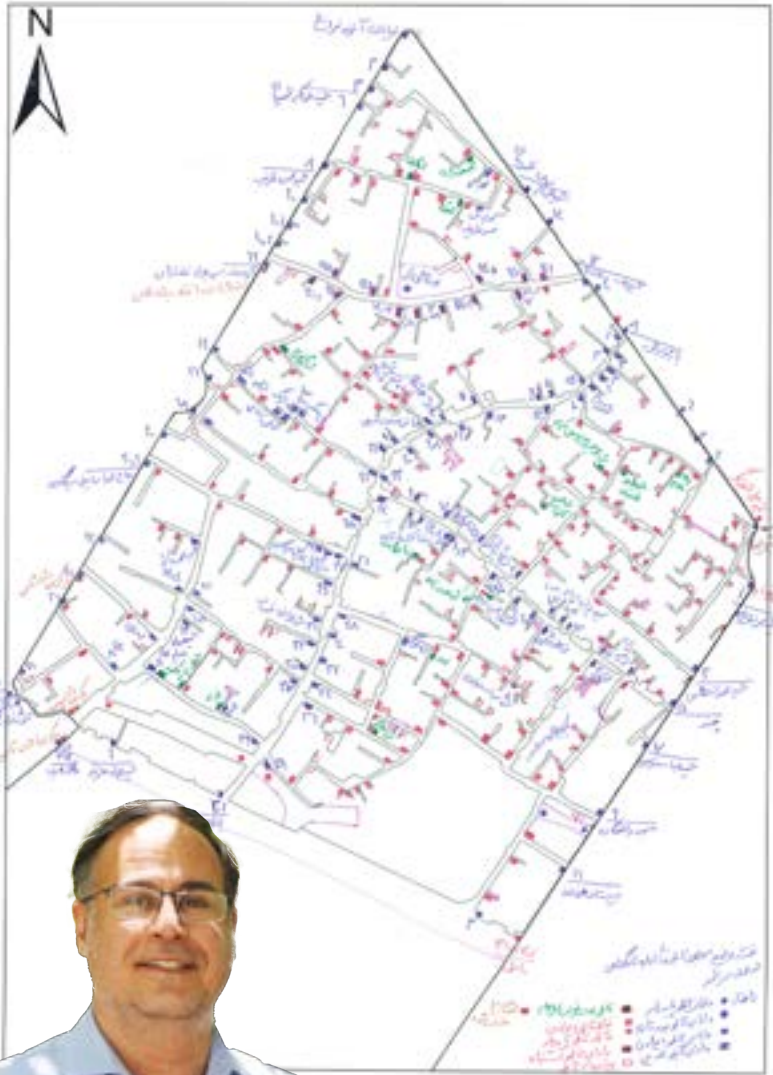
این نشست منجر به جلساتی با تاریخ‌پژوهان می‌شود تا وجه تسمیه و سابقه کوچه‌ها را کامل کنند. گام بعدی نیز به بررسی اینکه حفظ چه نام‌هایی ضروری است، می‌گذرد. جالب اینجاست که در بررسی‌ها متوجه می‌شوند خود نام سرشور مصوبه‌ای به نام «شهید سیدامیر حیدری» دارد. آن‌ها به‌سرّاع خانواده این شهید می‌روند. عباسیان ماجرا را چنین روایت می‌کند: «خوشبختانه مادر شهید هنوز زنده بود و همراه برادر

شهید به اداره ما آمدند و ما ماجرا را برایشان توضیح دادیم. آن‌ها گفتند خانه‌شان در گذشته در سرشور ۱۲ قرار داشته اما پیشین‌های برای تغییر نام سرشور نداشتند و پیگیر تغییر نام نبودند. او حتی گفت ما از قدیمی‌های این محله هستیم و اصلاً راضی نیستیم که نام سرشور حذف شود. خانواده این شهید که به جلال تغییر مکان داده بودند، در ادامه درخواست کردند نام شهیدشان بر روی این کوچه گذاشته شود.»

● سرانجام تصویب و بازگشت نام‌ها

مطالعات ادامه پیدا می‌کند و جلسات دیگری در کمیته نام‌گذاری برگزار می‌شود. در آخرین جلسه، نام‌های زیادی به تصویب می‌رسد و روی نام‌هایی

از بزرگان آن محله، بعضی کوچه‌ها که نام نداشت، شش اسم برای آن‌ها از این ترکیب‌ها مصوب شد و نام‌هایی مانند فراش باشی، چراغچی باشی و اسامی شبیه این بر روی آن‌ها قرار گرفت. «نام «مضانعلی جاودانی» که مسجد «نظریافته» و چند بنای دیگر در این محدوده را ساخته است، نیز یکی از پیشنهادهاست که بر روی یکی از فرعی‌های بن بست سرشور قرار می‌گیرد. همچنین عباسیان خیلی دوست داشته با تصویب نام‌گذاری یک کوچه به نام «فقیه سیزواری» که یکی از علمای مشهد بوده و در شهرسازی این شهر گام‌های مؤثری برداشته است، به او اادی دین کند. نام‌گذاری سرشور که حسینیه این عالم در آن قرار دارد، در همین راستا اتفاق افتاده است.



نقشه وضع موجود نام و تابلو محله سرشور

مانند قطب، آزاد، بلبل، سراسر، شاه حیدری، میرزا علی، امین دفتر فروغ و حاجی سیگاری به توافق نمی‌رسند. این کارشناس اداره نام‌گذاری ادامه می‌دهد: «در مرحله بعد با آقای چوپانکار (سرپرست بافت‌های تاریخی سازمان بازآفرینی فضاهای شهری مشهد)، یک لایه نام تاریخی دیگر یافتیم. همچنین بر اساس کتاب نفوس ارض اقدس (نخستین آمارنامه جمعیتی مشهد که میرزا زین‌العابدین قاجار در ۱۲۵ سال پیش جمع‌آوری کرده است) نام بسیاری از بزرگان سرشور را که در حرم مطهر رضوی نیز شاغل بودند، شناسایی کردیم. این ماجرا دو بخش داشت؛ اول، زنده کردن بعضی مشاغل حرم امام هشتم (ع) که اکنون نیست؛ مانند چراغچی باشی و دوم، یادی



حیدر عباسیان کارشناس اداره نام‌گذاری شهرداری مشهد

مانند قطب، آزاد، بلبل، سراسر، شاه حیدری، میرزا علی، امین دفتر فروغ و حاجی سیگاری به توافق نمی‌رسند. این کارشناس اداره نام‌گذاری ادامه می‌دهد: «در مرحله بعد با آقای چوپانکار (سرپرست بافت‌های تاریخی سازمان بازآفرینی فضاهای شهری مشهد)، یک لایه نام تاریخی دیگر یافتیم. همچنین بر اساس کتاب نفوس ارض اقدس (نخستین آمارنامه جمعیتی مشهد که میرزا زین‌العابدین قاجار در ۱۲۵ سال پیش جمع‌آوری کرده است) نام بسیاری از بزرگان سرشور را که در حرم مطهر رضوی نیز شاغل بودند، شناسایی کردیم. این ماجرا دو بخش داشت؛ اول، زنده کردن بعضی مشاغل حرم امام هشتم (ع) که اکنون نیست؛ مانند چراغچی باشی و دوم، یادی



شهریار NEWS.IR
شماره ۱۵
شبه ۵
۲۴ فروردین ۱۴۰۳
۶ دی ماه ۱۴۰۲
شماره ۲۲۲



تاریخ و هویت

مشهد قدیم

میوه‌های خراسانی در گذر زمان



زینبی افضل گرما که از راه می‌رسد، هیاهوی میوه‌ها هم به راه می‌افتد. مغازه‌های میوه‌فروشی از آمدن میوه‌های تابستانی، رونق و رنگ و رو می‌گیرد. البته میوه‌فروشی‌ها در روزگار ما آن قدر با زندگی روزمره مردم آمیخته شده‌اند که دیگر به آن‌ها کجا آمدن آن‌ها و چگونه رسیدنشان به دست خودمان فکر نمی‌کنیم، به طوری که پیدا شدن میوه‌های استوایی از دیگر کشورها در سوپر میوه سرک‌وچه‌مان به نظرمان آن قدر طبیعی می‌رسد که شاید یک بار هم از خودمان سؤال نکنیم چطور این میوه‌ها سرزاده ما آورده است. حتی هوس کردن میوه تابستانی در زمستان هم برایمان عادی شده است.

اما در گذشته ماجرای رسیدن میوه به سبد خانوار به همین راحتی نبود. آن زمان هر میوه را فقط می‌شد در فصل خودش نوبر کرد و تعداد میوه‌های هر شهر هم محدود می‌شد به آن‌هایی که در باغ‌های اطراف آن شهر یا روستاهای اطراف کشت می‌شد. مسئله نبود حمل و نقل مناسب و جاده‌های صاف و رو به راه، هرگونه ترابری را برای انتقال میوه‌های یک شهر به شهر دیگری می‌بست. به گفته مشهدی‌های قدیمی، آن زمان میوه‌های مهم خراسان عبارت بودند از: انگور، پسته، انجیر، توت و انار.

در بعضی منابع مکتوب نیز درباره میوه‌های خراسان حرف‌هایی زده شده است؛ به‌طور مثال حمدا... مستوفی (قرن هشتم) درباره ولایت تریسزا (کاشمر فعلی، نزدیک تربت حیدریه) گزارشی ارائه کرده است که حاکی از فراوانی درختان میوه است.

مستوفی همچنین در شهر جوین، جاجرم و اسفزار و شهرهای اطراف در این زمان به محصول فراوان غلات و میوه جات و وجود شبکه آبیاری وسیع سطحی و زیرزمینی اشاره کرده است؛ البته با پیش رفتن زمان، ترکیب میوه‌ها هم تغییر کرد.

سیف‌الدوله در سال ۱۲۸۹ هجری قمری درباره میوه‌های خراسان در دوره قاجاری می‌نویسد: «اقسام میوه در این مملکت، خوب به عمل می‌آید، خاصه توت، هلو و شلیل، زردآلو، گوجه، به، سیب، خربوزه [و هندوانه]، در سال ۱۳۰۶ در سفرنامه حاجی داوود نیز آمده است: «در ماه اوت میوه‌های زیادی در مشهد به دست می‌آید. انگور، هلو، شاه‌توت، زردآلو، هندوانه و خربزه. این میوه‌ها بسیار تازه، خوش‌مزه و ارزان می‌باشند و همه‌روزه از باغ‌ها و بوستان‌های اطراف آورده می‌شوند. شیرینی و مزه میوه‌های ایران را هیچ‌کجا در دنیای توان مقایسه کرد.»

در دهه ۲۰ قرن ۱۴ خورشیدی نیز خبری در روزنامه آزادی به چاپ می‌رسد که درباره میوه‌های خراسان، حرف‌های جالبی برای گفتن دارد.

در این مطلب اطلاعات مفیدی درباره کشت و کار میوه در خراسان به دست می‌آوریم؛ «خراسان به داشتن میوه‌جات مختلف از قدیم معروف و از استان‌های دیگر ایران به وفور انواع فواکه ممتاز بوده است. به‌طور کلی اقسام میوه در همه‌جا خراسان بالاخص شهر مشهد زیاد می‌باشد ولی بعضی میوه‌جات به بعضی شهرها اختصاص دارد؛ مثلاً انگور در حوزه قوچان زیاد است. لیکن به‌واسطه سردی هوا به خوبی و لطافت و شیرینی انگور کاشمر و درگز نمی‌شود یا خربزه محلات خاص آن زمین است و آن تخم در مشهد به لطافت محولات نمی‌شود.»

پس از این مقدمه نیز اقسامی از میوه‌های تابستانی را به صورت زیر فهرست می‌کند تا ما را از بهترین اقسام میوه خراسان و شهرهای تولیدکننده آن مطلع کند. این سیاهه که در این جزیده به چاپ رسیده است، به شرح زیر است:

سیب: گلزار درگز، اخلود مشهد، اسفراین که ده‌سیر می‌شود و در ایران بی‌نظیر است، سمرقندی مشهد، خواجه تربت حیدریه، گلشاهی و زمستانی مشهد.

گلابی: سمرقندی درگز، شیروان، اسفراین، سمرقندی، مشهد، خواف، هندوانه: سرخس، کمانچه نیشابور، منیدر، جوین، عباس‌آباد، انگور: زمستانی قرمز بجنورد که در برق هم سرما نمی‌کند، مسکه جوین که به قدر گوجه درشت می‌شود، طیفی کاشمر و کشمش کاشمر، عسگری مشهد و تربت و کاشمر، صاحبی مشهد.

خربزه: دوبرجی محولات، شخته و خاقانی مشهد، ده‌تید نام و اسرازیادی سبزوار، اله نهنگی تربت حیدریه.

به: اخلود (احمد) مشهد، نیشابور، هلو: مشهد، شفتالوی و چه گناباد که ۱۰ روز جلوتر به دست می‌آید، گوجه: گلستان مشهد، تربت حیدریه.

زردآلو: قیسی کوهسرخ، نوری و باقری مشهد، چنگ‌کلاغ جوین، بادام: بادام کاغذی رشتخوار و یابگ تربت حیدریه.

انجیر: کاشمر، انار: بجستان، نوغاب کاشمر، کاشمر، گیلاس: مشهد، تاشکندی مشهد، توت: بخارایی مشهد،

خواندن این فهرست با یک تحلیل کوتاه، ما را به نتایج جالبی درباره ترکیب میوه‌ها در خراسان آن روزگار و سبد میوه مردم در آن زمان می‌رساند و می‌توانیم آن را با میوه‌هایی که اکنون می‌توانیم در میان سوپر میوه‌ها ببینیم، مقایسه کنیم.



میوه‌های تابستانی در یک میوه‌فروشی / میدان شهدا، ده ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی